



مقدمه

پس از انعقاد توافق هسته‌های مابین ایران و کشورهای غربی، موسوم به برجام، بارها از سوی ریاست محترم جمهور و برخی اطرافیان ایشان، این جمله با ادبیات‌های مختلف قید شده‌است که «برجام سایه جنگ را از سر ایران دور کرده‌است». تا جایی که ریاست محترم جمهور در گفت‌وگوی تلویزیونی خود با مردم در تاریخ ۱۲ مرداد سال جاری، آن را مهم‌ترین دستاورد برجام قلمداد کرد:

«مهم‌ترین اثر برجام این بود که سایه شوم تهدید از بالای سر ما رفع شد. آنها پرونده ما را به سازمان ملل و فصل ۷ برده بودند و هر آن ممکن بود کشور دچار جنگ ناخواسته شود. ایران را به عنوان کشوری معرفی کرده بودند که تهدید صلح و امنیت جهان است.»<sup>(۱)</sup> اینکه ادعا شود توافقی تهدید جنگ را علیه کشوری خنثی کرده است، به این معناست که یک کشور در آستانه تهدید نظامی معتبر قرار داشته است و هر لحظه ممکن بوده است جنگی علیه او رخ دهد ولی با رسیدن به یک توافق بین طرفین، طرفی که قصد توسل به زور علیه کشور دیگر را داشته است متعهد به عدم توسل به آن شده است. در واقع یعنی اینکه جمهوری اسلامی ایران در ابتدای پیروزی دولت یازدهم، در آستانه جنگ نظامی قرار داشت و مذاکرات هسته‌ای و توافق برجام مانع این حمله شد. در این اثر پژوهشی قصد داریم صحت و اعتبار این گزاره را مورد واکاوی و مذاقه قرار دهیم.

**زیرساخت حقوقی حمله به ایران**
نخستین موضوعی که مستمسک طرفداران گزاره فوق هستت و در سخنان جناب رئیس‌جمهور نیز کم‌وبیش به آن اشاره شده این است که پرونده هسته‌ای و موشکی ایران در چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد قرار داشته است و در نتیجه زیرساخت حقوقی و مشروعیت لازم جهت حمله نظامی به ایران در شورای امنیت وجود داشته است. طی قطعنامه‌های گذشته درباره ایران از قطعنامه ۱۷۳۷ تا ۱۹۲۹، وضعیت جمهوری اسلامی ایران ذیل ماده چهل‌ویکم فصل هفتم منشور ملل متحد قرار داشت. فصل هفتم منشور که از ماده ۳۹ تا ۵۱ را در بر می‌گیرد، با اقدامات این شورا در موارد تهدید

**مصطفی‌ی خدایی:** همانطور که می‌دانید یکی از مهم‌ترین و پر سرس و صداترین وعده‌های انتخاباتی ترامپ لغو توافق هسته‌های ایران و غرب بود که با عبارت «توافق هسته‌ای را پاره می‌کنم» شکل گرفت. در این باره اظهارنظرها، یادداشت‌ها و تحلیل‌های بسیاری منتشر شده است. نگارنده این یادداشت نیز بنا به دلایلی روشن معتقد است ترامپ این توفقی را لغو نمی‌کند. در ادامه به شرح مختصر دلایل عدم لغو توافق هسته‌ای توسط دولت جدید آمریکا پرداخته و سپس عنوان می‌کنیم عدم لغو توافق هسته‌ای از سوی آمریکا چه مخاطراتی برای ایران دارد. ترامپ حتی اگر قدرتش را داشته باشد این توفقی را لغو نمی‌کند، چراکه وجود یک توافقنامه با ظرفیت‌های بالای امتیازگیری برای آمریکا، بسیار باارزش‌تر از لغو آن است. ترامپ آنقدر ساده‌لوح نیست و مشاوران و دولت وی آنقدر ضعیف نیستند که توافق هسته‌ای را اصطلاحاً پاره کنند. آنها خوب می‌دانند لغو توافق ایران و ۱۰۵ مسلاوی است با مقابله به‌مثل ایران؛ یعنی آغاز فرآیندهایی پاسخ‌گونه که منتج به افزایش توان هسته‌ای کشورمان می‌شود. ترامپ مدیرعامل و مالک شرکت‌های موفق بسیاری است و هزاران قرارداد منجر به پیروزی بسته است. ترامپ اساساً مرد مذاکره است و باید از قدرت او در مجادلات دیپلماتیک ترسید. او هرگز قراردادهای سودمند را پاره نمی‌کند. برجام معامله‌ای است که بیش از همه، آمریکا را منتفع کرده است. چگونه می‌توان پذیرفت قراردادی که باسهل‌انگاری مذاکره‌کنندگان

آیا توافق هسته‌ای سایه جنگ را از سر ایران دور کرده است؟!

# دستاوردسازی برای برجام

- ایمان اسدی\*

ایالات متحده آمریکا در دسترس حملات گسترده قوای مسلح جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و در برابر ایران و متحدان منطقه‌ای آن، از آسیب‌پذیری بسیار بالایی برخوردار است.

– سطح درگیری در همان مراحل ابتدایی به ایران محدود نخواهد شد و با توجه به پتانسیل‌های موجود، به سرعت این درگیری به دیگر مناطق سرایت خواهد کرد و جنگ گسترده‌ای در نقاط مختلف به راه خواهد افتاد که کنترل و مدیریت این بحران بسیار سخت خواهد بود.

– ایران از قدرت نظامی تهاجمی قابل‌اعتنایی برخوردار است که در صورت مورد حمله واقع شدن، با اتکا بر استراتژی تنبیه متجاوز، می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری را بر پیگره دشمن وارد کند.

– برد بالا، قدرت تخریب گسترده و دقت قابل قبول موشک‌های بالستیک ایران، ضربات و خسارات جبران‌ناپذیری را بر کشور متجاوز وارد خواهد آورد. برخی موشک‌های بالستیک ایران برای دشمن غیرقابل‌رهگیری هستند.

– دست آخر اینکه ممکن است شروع جنگ با کشور متجاوز باشد ولی قطعاً پایان جنگ با او نخواهد بود.

با توجه به دلایلی که قید شد و دلایل دیگر، در حال حاضر گزینه نظامی در قبال ایران، از سوی دشمنان گزینه‌ای جدی نبوده و نخواهد بود. فلذا در دوران قبیل از برجام، اصلاً گزینه‌ای به نام جنگ و تهدید نظامی وجود نداشته که امروز ادعا شود برجام آن را رفع کرده است. عدم تجاوز و حمله نظامی به این مرز و بوم ناشی از قدرت دفاعی استراتژیک کشور است نه برجام.

**برجام، عامل رفع جنگ یا مقدمه آن**

در نظریات و مفاهیم بازدارندگی، گونه‌ای از بازدارندگی وجود دارد که به آن بازدارندگی مبتنی بر عدم دسترسی می‌گویند. به این معنا که عدم اشراف اطلاعاتی نسبت به قوای نظامی یک کشور، توان پاسخگویی و واکنش احتمالی آن کشور، خود نوعی بازدارندگی است که فقدان چنین اطلاعاتی مانع از حمله به آن کشور می‌شود. بر همین اساس، کشوری که قصد تجاوز و حمله به کشور دیگر را داشته باشد، ابتدا بخش قابل توجهی از تلاش خود را معطوف به شناسایی و کسب اطلاعات نسبت به حریف می‌کند

و سپس به گزینه نظامی روی می‌آورد. به عنوان مثال، ایالات متحده آمریکا در عملیات توفان صحرا در سال ۱۹۹۱ میلادی، پس از اینکه موفق به اخراج عراق از کویت شد، عملیات را متوقف کرد. سپس در قالب قطعنامه‌های شورای امنیت از جمله قطعنامه ۶۸۷شورای امنیت سازمان ملل متحد، رژیم بازرسی گسترده‌ای را علیه عراق ترتیب داد که به رژیم «انسکام» معروف شد. براساس شبکه بازرسی مزبور، توانستند اطلاعات بسیار گسترده‌ای از ارایش قوای نظامی عراق، جنگ‌افزارها و ابزارهای تسلیحاتی

عراقی، یادگان‌های نظامی مهم و سایت‌های نظامی اصلی عراق به دست آورند. سپس مبتنی بر ترتیبات پیش‌بینی‌شده در قطعنامه‌ها، موفق شدند بخشی از این را نیز منهدم کنند. دست آخر وقتی به اشراف اطلاعاتی گسترده‌ای نسبت به عراق دست یافتند و

تا حدی هم توان بازدارندگی عراق را تعدیل کردند، مارس ۲۰۰۳ بدون مجوز شورای امنیت به این کشور حمله کرده و ظرف مدت چند روز، صدام را از قدرت به زیر کشیدند. اگر فرآیند طولانی‌مدت بازرسی از عراق نبود، ایالات متحده به هیچ وجه قادر نبود علیه عراق دست به اقدام نظامی گسترده بزند و حکومت این کشور را ساقط کند، چرا که اولاً؛ هم برنامه سلاح‌های کشتار جمعی مانند شیمیایی و میکربی داشت و هم از توان موشکی قابل قبولی برخوردار بود، ثانیاً صدام سابقه حمله موشکی به تل‌آویو را در کارنامه خود داشت و می‌توانست خسارات سنگینی را بر آمریکا و متحدان آن تحمیل کند. مع‌الافس رژیم بازرسی‌های پیش‌بینی‌شده در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ نیز، دارای تبعات و تهدیدات فراوانی علیه ایران است. بی‌جهت نیست که «جیمز کلایپر» مدیر اطلاعات ملی<sup>(۲)</sup> ایالات متحده آمریکا در حاشیه نشست امنیتی سالانه مؤسسه «اسپن» در مصاحبه با شبکه خبری «ان‌بی‌سی» اذعان می‌کند

با این توفاق در موقعیت بهتری برای کسب اطلاع و دسترسی نسبت به قبل قرار می‌گیریم.<sup>(۳)</sup> کسانی که معتقدند سایه جنگ را از سر کشور برداشتیم، خود بهتر می‌دانند اتفاقا پس از توفاق، دشمن در وضعیت بهتری برای حمله نسبت به قبل قرار دارد. همچنین

دشمنان گزینه‌ای جدی نبوده و زیرساخت هسته‌ای ایران قبل از توافق نسبت به بعد از آن، توان بازدارندگی بیشتری برای ایران خلق کرده بود.

**نتیجه‌گیری**

توافق هسته‌ای برجام، از ابتدای شروع مذاکرات با هدف رفع تحریم‌های ظالمانه ضدایرانی آغاز شد. در واقع از ابتدا، این توافق بنا نبود با هدف خنثی‌سازی گزینه نظامی دشمن منعقد شود، چرا که اساساً گزینه نظامی وجود نداشت که برای خنثی کردن آن ۲ سال مذاکره صورت گیرد. اینکه امروز مهم‌ترین دستاورد برجام را دور شدن سایه جنگ از سر ملت ایران عنوان کنیم، به این معناست که برجام نتوانسته اهداف اصلی خود را که فروپاشی رژیم تحریمی‌های ظالمانه بود محقق کند، فلذا دولتمردان گرامی قصد دارند با بزرگنمایی گزینه تهدید نظامی قبل از برجام، برای برجام دستاوردسازی کرده و توجه افکار عمومی وخبگان جامعه را از شکست‌های خود منحرف کنند.

**پی‌نوشت:**

- http://www.khabaronline.ir detail/563053/Politics/government
- all necessary measures
- Security Council Resolution 1929
- ناصر هادیان در برنامه تیترا امشب شبکه خبر در تاریخ ۲۲ تیرماه سال ۹۵، چنان‌اعبای نمود.
- http://www.yanemerooz.ir/News-paper/BlockPrint/160423
- United Nations Special Commi – sion
- Director of National Intelligence
- http://yon.ir/IU47

**\*کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران**

هم ضربه‌ای دیگر بر ما و از سمت دولت یازدهم وارد نشود. به بیان دیگر، لغو برجام بهترین اتفاقی است که برای ایران خواهد افتاد اما جای بسی تاسف است که ترامپ نیز بر این امر واقف است. او هرگز برجام را پاره نخواهد کرد، چرا که از قدرت گرفتن ایران در حوزه هسته‌ای می‌ترسد. او میزان قدرت نظامی ایران را نیز درک کرده است، بنابراین از شروع جنگ با ایران واهمه دارد و از سسوی دیگر بسیاری نگران اسرائیل است که مبدا پهنانه‌ی دست ایران دهد. ترامپ شمشیر خود را علیه برجام از رو بسته، فقط برای اینکه باز هم تیم هسته‌ای مسا را وارد مذاکره کرده و باز هم یک شکست دیگر به ما تحمیل کند. بنابراین چیزی که باید نگران آن باشیم لغو برجام نیست بلکه فشار آمریکا بر دولت یازدهم برای پذیرش تغییرات برجام است که چنانچه مسؤولان و آگاهان و دلسوزان نظام از همین حالا چاره‌ای برای بحران مذاکرات مجدد ایران با غرب نیندیشند و تیم قدرتمندتر و دوراندیش‌تری برنگزینند خطرات برجام افزایش یافته و ممکن است شاهد تضعیف مجدد نظام هسته‌ای کشورمان باشیم. شاید بهتر باشد دولت یازدهم پیش از آنکه حضور ۴ ساله‌اش را به پایان برساند پاسخی به بدعده‌ی‌های مکرر آمریکا بدهد و تعهدات ناخوشایند را کنار گذاشته، باافزایش غنی‌سازی اورانیوم و فعال کردن مجدد سانترنیفیکوژها و به‌حرکت درآوردن چرخ تمام‌نیرو گاه‌های هسته‌ای کشور با تمام قوا، یک دستاورد افتخارآمیز واقعی را در کارنامه خود ثبت کند.

پاورقی، ۲
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div></div></div> <div>متن کتاب «تپه‌ری میسان»، نویسنده فرانسوی درباره حادثهٔ ۱۱ سپتامبر</div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div></div></div> <div><b>دروغ بزرگ</b></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div></div></div> <div>بویژه که در این حادثه پایگاه فرماندهی ارتشی هدف قرار گرفته بود که تا آن زمان آسیب‌ناپذیر تصور می‌شد. این بار نظامیان ارتش آمریکا،</div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div></div></div> <div>نه در میدان جنگ که بر خاک سرزمین خود جان می‌سپردند. شاید گزارش‌هایی که منابع رسمی ارائه دادند، هیچ جای بحث و گفت‌وگویی درباره این حادثه باقی نگذاشته باشد، اما اگر پوسته ظاهری گزارش‌های رسمی را بشکافیم، حقیقت و اصل ماجرا به طور شرم‌آوری با گزارش‌های رسمی منافات دارد.</div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div></div></div> <div><b>جلسه در کمیته نیروهای مسلح مجلس آمریکا</b></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div></div></div> <div>کنترل و هدایت هواپیماها در آمریکا از وظایف سازمان هواپیمایی فدرال است و مأموران برج کنترل فرودگاه‌ها در حیطه سازمانی این مجموعه انجام وظیفه می‌کنند. ساعت ۵۵: ۸ صبح بود که هواپیمای بوئینگ بدون هماهنگی با برج کنترل فرودگاه، همچنان اوج گرفت تا به ارتفاع ۲۹ هزار پایی رسید. تا این زمان، امواج فرستنده هواپیما را دریافت می‌کردیم، ولی ناگهان موج فرستنده نیز قطع شد. تصور ما این بود که نقص فنی بوئینگ موجب شده که خلبان بدون تماس با برج کنترل به راه خود ادامه دهد و همچنان برای برقراری ارتباط در تلاش بودیم که ناگهان متوجه شدیم خلبان بدون اینکه به هشدارهای ما پاسخ بدهد، فرستنده را روشن کرده است. فرستنده فریادها و تهدیدهایی را ارسال کرد که با لهجه عربی ادا می‌شد. از این با بعد هواپیما جهت خود را به طرف واشنگتن تغییر داد و اندکی بعد نیز هواپیما در صفحه رادار برج گم شد</div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div></div></div> <div>اینها مطالبی بود که روزنامه کریستین ساینس مانیوتو به نقل از مأموران برج مراقبت چاپ کرد. در دستورالعمل برج کنترل فرودگاه‌های محلی آمده است: در صورت بروز هواپیماربایی، مأموران وظیفه دارند موضوع حادثه را بلافاصله به مرکز فرماندهی A. A. F (سازمان هواپیمایی فدرال) گزارش دهند. در زمان تماس مأموران برج با مرکز فرماندهی، اکثر مسؤولان این مرکز برای حضور در مرکز کنفرانس تخصصی در کشور کانادا بسر می‌برند و کسی جز مأموران رده پایین و کم تجربه در A. A. F حضور نداشتند. در همان شرایط بحرانی و برهلت‌آلود بود که مرکز فرماندهی دچار خطای بزرگی شد و پس از تلف شدن ۲۰ دقیقه از خلیترترین و حساس‌ترین مذاکرات، تازه به اشتباه خود پی برد. مأموران مرکز فرماندهی، اخطار هواپیماربایی جدید را تکرار اخطار قبلی دومین هواپیما که در حال نزدیک شدن به شهر نیویورک بود، تلقی کردند، اما هنوز نیم ساعتی نگذشته بود که متوجه شدند تعداد هواپیماهای رده شده به ۳ فروند رسیده است. در واقع توافق نظامی پس از ۲۰ دقیقه تأخیر از خط سومین هواپیما آگاه شدند. کمیته نیروهای مسلح مجلس سنای آمریکا، روز سیزدهم سپتامبر تشکیل شد و از رئیس ستاد مشترک، ژنرال ریچارد مه‌یر در‌ساره ماجرای هواپیمای بوئینگ توضیح خواست. در شرح مذاکرات این جلسه، هیچ نکته‌ای مبنی بر تعقیب هواپیمای بوئینگ توسط جنگنده‌های نیروی هوایی وجود ندارد. پس از این مذاکرات سریع و ساختگی بین کمیته سنا و مقامات ارشد نظامی، سناتورهای عضو کمیته نیروهای مسلح تصریح کردند که در واقع هیچ‌گونه اقدامی برای تعقیب هواپیمای بوئینگ از طرف نیروی هوایی صورت نگرفته است. آیا می‌توان باور کرد که در طول حملات هوایی به برج‌های تجارت جهانی و پنتاگون، نیروی هوایی ایالات متحده هیچ عکس‌العملی نکات جالب و شایان توجهی وجود دارد که برای خوانندگان خالی از تعجب نخواهد بود. همان طور که قبلاً اشاره شد، این جلسه ۲ روز بعد از واقعه یازدهم سپتامبر یعنی سیزدهم همان ماه برگزار می‌شود، در این جلسه گفت‌وگو بیشتر بین ریچارد مه‌یر، رئیس ستاد مشترک و سناتور کارل لوین، یکی از اعضای کمیته جریان دارد. سناتور کارل لوین: قبل از اینکه پنتاگون مورد حمله قرار بگیرد، خبر برخورد هواپیماها به برج‌های تجارت جهانی توسط کدام مرکز به وزارت دفاع گزارش شد؟ FBI، سازمان هواپیمایی ایالتی، یا مراکز دیگر؟</div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div></div></div> <div>ژنرال ریچارد مه یز: جوابی برای این سوال ندارم. می‌توانم پس از بررسی مدارک به شما پاسخ بدهم.</div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div></div></div> <div>لوین: متشکرم. آیا هیچ عملیاتی توسط وزارت دفاع علیه هواپیمایی صورت گرفت؟ از شما خواسته شد که به عملیاتی علیه هواپیمایی اقدام کنید؟</div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div></div></div> <div><b>ادامه دارد</b></div>